

# آسیب شناسی مقررات حاکم بر اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت مرتکب در حقوق کیفری ایران

محسن اعظمی<sup>۱</sup>

## چکیده

اجرای قوانین یک کشور توسط محاکم آن مبتنی بر اصل صلاحیت سرزمینی است، و مطابق آن قوانین جزایی هیچ کشوری قابلیت اجرایی در کشور دیگر را ندارد و دولت ها تنها قوانین خود را اعمال می کنند. اما توجه صرف به اصل صلاحیت سرزمینی، سبب عدم امکان مجازات اشخاص می شود که در خارج از کشور مرتکب جرم می شوند. پس جهت کمیلاصل صلاحیت سرزمینی، اصول دیگری از جمله اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت مرتکب پیش بینی شده است، که بهرابطه میان شخص و دولت متبوعی می شود، به گونه ای که دولت مزبور را برای رسیدگی به جرایم ارتکابی در خارج از کشور توسط اتباع خود، صالح می گرداند. با توجه به تصویب قانون جدید مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲ و وضع مقررات جدید در خصوص اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت مرتکب، نواقص و ایراداتی در آن به چشم می خورد. از جمله اینکه قاعده منع محاکمه مجدد در این اصل تنها در خصوص تعزیرات پذیرفته شده است و در خصوص مجازات های موجب حدود و قصاص و دیات حکمی وجود ندارد. همچنین در خصوص مرتکب جرم، که به جهت از جهات قانونی در کشور ثالثی غیر از محل وقوع جرم مورد تعقیب و محاکمه و مجازات قرار می گیرد و سپس در ایران یافت می شود، در شمول آن به قاعده منع محاکمه مجدد تصریحی در قانون وجود ندارد. همچنین جهت اعمال این اصل به نحوه یافت شدن متهم در ایران اشاره ای نشده است. ایرادات موجود در خصوص این اصل از طریق روش توصیفی - تحلیلی موضوع این تحقیق می باشد.

**واژگان کلیدی:** صلاحیت مبتنی بر تابعیت مرتکب، منع محاکمه مجدد، اتباع ایران، محل وقوع جرم، صلاحیت سرزمینی

## مقدمه

امروزه بیشتر کشورها اتباع خود را به خاطر جرایمی که در دیگر کشورها مرتکب شده اند، بهدولتیکه متقاضی استرداد آنهاست مسترد نمی کنند. و طبق اصل صلاحیت سرزمینی قوانین داخلی خود را نسبت به جرایم ارتکابی در داخل کشور اعمال می کنند. این اصل که مهمترین و قدیمی ترین اصل در تعیین صلاحیت کیفری است. (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۲، ۲۳) در واقع بیانگر این است که «قوانین جزایی هیچ کشوری در مملکت دیگر قابل اجرا نیست.» (محسنی، ۱۹، ۱۳۹۲) «شاید گفته شود استرداد مجرم به کشور محل وقوع جرم راه حل بهتری است. اما باید توجه داشت انجام استرداد، منوط به

<sup>1</sup> - کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی و مدرس دانشگاه

وجود قرارداد خاص در این زمینه و رابطه صمیمی در عرصه بین المللی است. باید به این نکته نیز توجه داشت که عرف بین المللی اجازه عدم استرداد اتباع یک دولت را به آن دولت می دهد.» (دوواپر، ۸۸، ۱۳۷۳) مهمترین دلایلش بین و وضع اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت مرتکب، جلوگیری از بیکیفر ماندن کسانیاست که در خارج از کشور به نقض قوانین ملییر داخلتهو پس از ارتکاب جرم به کشور خود بازگشته هاند تا از قواعد عدم استرداد شهر و ندان بهر همنند شوند.

در این حال، اصل مذکور میتواند از خلا مجازات در اثر عدم استرداد اتباع، پیشگیری نموده و شهر و ندان را به رعایت قوانین مقرر در کشور محل اقامت خود ملزم نماید. اساسا حمایت و دفاع از افراد متبوع یک دولت، وظیفه آن دولت می باشد. چه افراد متبوع در داخل آن کشور اقامت داشته باشند چه در خارج از آن. با این وصف، چنانچه جرمی توسط تبعه در داخل یا خارج از قلمرو حاکمیت رخ دهد، دولت متبوع وی به جهت اجرای عدالت، تبعه خود را با اعمال اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت مرتکب، مورد محاکمه و مجازات قرار می دهد. همچنین اعتقاد صرف به اصل صلاحیت سرزمینی، باعث می شود که برخی از افراد در کشور مرتکب جرم شوند و با فرار به کشوری دیگر، بدون مجازات باقی بمانند. پس «اعمال مطلق اصل صلاحیت سرزمینی کاستی هایی را به دنبال دارد. به طوری که ارتکاب برخی جرایم بدون تعقیب باقی می ماند. بنابراین اعمال اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت مرتکب ضرورت می یابد. عدم اعمال این اصل، می تواند در روابط بین المللی، کشورها را تحت الشعاع قرار دهد و منافع دولت ها را پایمال کند. زیرا وجدان بشری نمی پذیرد که مجرم بدون تعقیب و مجازات بماند.» (مؤمنی، ۱۵۷، ۱۳۹۳) بدیهی است شخصی که در خارج از کشور مرتکب جرم شده و پس از آن به کشور مراجعت می کند ممکن است حالت خطرناک خود را نشان دهد.» (استفانی، ۱۵۳، ۱۹۹۵) لذا «برای جلوگیری از خطری که ممکن است از طرف مجرم عاید جامعه شود، باید او را تحت تعقیب و مجازات و احیانا اقدامات تأمینی و تربیتی قرارداد. از طرف دیگر، اگر فردی که در کشور بیگانه مرتکب جرم شده است، صرفا به دلیل فرار و مراجعت به کشور متبوعش، از مجازات رهایی یابد، هموطنانش از عدم مجازات او آشفته خاطر می گردند.» (علی آبادی، ۱۳۷۰، ۱۳۸) مضافا اینکه «بیم آن می رود که افراد ساکن این کشور نیز با استفاده از این موقعیت برای انجام اعمال مجرمانه خود به خارج از کشور عزیمت نموده و کم کم این کشور به پناهگاهی امن برای مجرمان تبدیل شود.» (پورباقرانی، ۱۳۹۲، ۴۷) و موجب تجری مجرمان به ارتکاب جرم گردد. بنابراین اعمال اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت مرتکب راه حل مناسبی است. با توجه به وضع قانون جدید مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) و اعمال مقررات جدید در خصوص اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت مرتکب همواره ایرادات و ابهاماتی وجود دارد که در این تحقیق به بررسی آنها و ارائه پیشنهاد و راهکار موثر پرداخته ایم.

## ۱- تعریف صلاحیت مبتنی بر تابعیت مرتکب<sup>۲</sup>

«توسعه صلاحیت جزایی دولت به خارج از مرزهایش، شاید این تردید را ایجاد نماید که به حاکمیت دولت محل وقوع جرم صدمه وارد می‌سازد. این ایراد وقتی پذیرفته است که قدرت حاکمه یک دولت در خارج از مرزهای خود، به قدرت اجرایی متوسل شود. در حالی که منظور از اعمال اصل صلاحیت شخصی چنین امری نیست. هنگامی که متهم آزادانه به سرزمین دولت متبوعش برگشته باشد و یا اینکه توسط دولت بیگانه مسترد شده باشد، این اصل قابل اجرا خواهد بود.» (دووابر، ۱۳۷۳، ۷۶) بنابراین «اعمال اصل صلاحیت شخصی (مبتنی بر تابعیت مرتکب) توسط یک دولت به منزله نقض استقلال حاکمیت سایر دولت‌ها و بی‌نظمی در روابط بین‌المللی نیست. نقایص و معایب وارد بر اصل صلاحیت سرزمینی، اقتضای عدالت و ضرورت‌های علمی و عملی، توجیه‌کننده اصل صلاحیت شخصی می‌باشد.» (مؤمنی، ۱۳۹۳، ۱۵۶) «همانطور که رفتار پسندیده و عالی اتباع در خارج از کشور موجب سربلندی و مباحثات میهن می‌شود، به همان ترتیب نیز ارتکاب جرم از ناحیه آنها در خارج از کشور باعث کسر اعتبار و از بین رفتن اهمیت کشور می‌شود. بدیهی است در چنین صورتی باید کسی که موجب سرافکندگی همیهان خود گردیده، تحت تعقیب و مجازات قرار گیرد.» (حسینی نژاد، ۱۳۹۱، ۵۲)

«چون افراد یک کشور در خارج از آن کشور مورد حمایت بی‌دریغ آن کشور قرار دارند، لذا شایسته است که در صورت ارتکاب جرم نیز مسئولیت جرایمی که مرتکب شده اند را بر عهده داشته باشند.» (علی آبادی، ۱۳۷۰، ۷۷)

هر دولت حقدار در رفتار اجتماعاً افراد متبوعش را تعیین نماید و هر کس با قوا این مقرره را در داخل یا خارج از کشور مخالفت ورزد در تابعیت مجازات کند. (العوجی، ۱۹۸۸)

بر همین اساس، دولت‌ها در مواردیکه اصل صلاحیت سرزمینی مانع از توسعه اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت مرتکب، تمسک می‌جویند. «اصل صلاحیت شخصی مثبت (یا صلاحیت مبتنی بر تابعیت مرتکب)، عبارت از توسعه صلاحیت تقنینی و قضایی یک کشور نسبت به اتباع آن کشور است که در خارج از قلمرو حاکمیت آن کشور مرتکب شده اند.» (پوریافرانی، ۱۳۹۲، ۴۴) «منظور از اصل صلاحیت شخصی مثبت، آن است که قوا این جزاییدر مورد اتباع دولتا عمل می‌گردد، اعماز این که در کشور ساکن باشند یا نباشند.» (باهر، ۱۳۹۲، ۱۲۹) بنابراین دولت، صلاحیت اعمال قواعد و مقررات جزاییرادر مورد اتباع خود را بر تباطا اعمالی که در هر نقطه از جهان انجام می‌دهند، پیدا می‌کند.

(Justice)

(alen, 1984) «بهمو جابینا صل، هر کشور بصالحه سید گیهجرا امار تکابیتو سطا تبعه خود در خار جاز سرزمین خود می‌باشد. به عبار دیگر، تبعه هر کشور در هر جای دنیا که مرتکب می‌شوند، توسط دولت متبوع خود قابل تعقیب و مجازات هستند.»

<sup>2</sup> The Active Personality Principle

مبنای این اصل، علقه‌تبعیت بین مرتکب و دولت متبوع و عویهست که هویراملز می‌سازد هموار حقوق این جزایید و لمتتبوع خود را احتیاد خارج از ک شور محترم شماره ۱۳۹۲ (سلیمی، ۲، ۱۳۹۲) بدیهی است که این جنبه صلاحیت شخصی، بیشتر در صدد حمایت از منافع جامعه و حاکمیت است. بنابراین، اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت مرتکب، عبارت است از؛ صلاحیت قوانین و محاکم ایران، در رسیدگی به جرایمی که توسط اتباع آن در خارج از قلمرو حاکمیت ایران ارتکاب می‌یابد. به شرط آنکه متهم در ایران یافت، اعاده یا دستگیر شود. از اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت مرتکب، تحت عنوان اصل صلاحیت شخصی و اصل صلاحیت شخصی مثبت یا فعال نیز یاد می‌شود.

## ۲- شرایط اعمال اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت مرتکب و ایرادات وارده بر آن

قانون مجازات عرفی مصوب ۱۲۸۵ و قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴، در خصوص اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت مرتکب مقرر کرده‌اند. قانون گذار در ماده ۲۰۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۱ شهریور ماه ۱۲۹۰ شمسی، برای اولین بار به بیان اعمال اصل صلاحیت شخصی و پذیرش آن به شکل کلی همت گمارد. پس از آن قانون گذار ایران در سال ۱۳۵۲ در بند «ه» ماده ۳ قانون مجازات عمومی، اصل صلاحیت شخصی را مورد پذیرش قرارداد. مقنن، در بند «د» ماده ۳ قانون راجع به مجازات اسلامی ۱۳۶۱، نیز اعمال اصل صلاحیت شخصی قوانین جزایی ایران را پذیرفت. همچنین مقنن، علاوه بر ماده ۳، به طور پراکنده اعمال اصل صلاحیت شخصی را مورد نظر قرار داد. از جمله، در ماده ۱۵ قانون تشکیل دادگاه های کیفری ۱ و ۲ مصوب ۱۳۶۸ و ماده ۵۷، قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸. قانون گذار در سال ۱۳۷۰ در ماده ۷، به طور صریح اعمال اصل صلاحیت شخصی را مورد پذیرش قرار داد: «... هر ایرانی که در خارج ایران مرتکب جرمی شود و در ایران یافت شود، طبق قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران مجازات خواهد شد.» اما قانون گذار با وضع قانون جدید مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲ مقررات جدیدی را در خصوص اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت مرتکب مورد پذیرش قرار داد.

ماده ۷ قانون مجازات اسلامی، در خصوص اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت مرتکب، مقرر می‌دارد: «علاوه بر موارد مذکور در موارد فوق هر یک از اتباع ایران در خارج از کشور مرتکب جرم می‌شود، در صورتیکه در ایران یا فتویا بهایرانا عا ده گردد، طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران محاکمه مجازات می‌شود، مشروط بر اینکه: الف)

رفتار ارتکابی همو جبقانون ایران جرم باشد. ب)

در صورتیکه جرم ارتکابی از جرایم موجب تعزیر باشد، متهم در محلو قو عجر م محاکمه تیر نه نشد هو یا در صورت محکومیت، مجازات کلا یا بعضا در بارها و اجرا نشد ه باشد. پ)

طبق قوانین ایران موجب جرم یا موقوفیت عقیباموقوفیا جرایم مجازات یا سقوط آن نباشد.» شرایط اعمال اصل صلاحیت شخصی مثبت طبق ماده ۷، به شرح ذیل می‌باشد:

## ۲-۱- وجود رابطه تابعیت

بر اساس ماده ۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، که مقرر داشته: «... هر یک از اتباع ایران... مرتکب جرمی شود...» مرتکب جرم الزاماً می‌بایست تبعه ایران باشد. همانطور که ذکر شد، وجود رابطه تابعیت در حین ارتکاب جرم شرط است. بنابراین تغییر تابعیت پس از ارتکاب جرم، مجرم را از شمول صلاحیت تقنینی و قضایی ایران خارج نمی‌سازد. همچنین از آنجا که ترک تابعیت منوط به رعایت شرایط قانونی است. اگر ترک تابعیت برخلاف قانون صورت گرفته باشد، جرایم ارتكابی بعدی شخص همچنان مشمول اصل صلاحیت شخصی قوانین کیفری ایران باقی می‌ماند. مقررات مربوط به تابعیت در مواد ۹۷۶ تا ۹۹۱ قانون مدنی بیان شده است. بر اساس ماده ۹۷۶ قانون مدنی، افراد ذیل ایرانی محسوب می‌شوند: «۱- کلیه ساکنین ایران، به استثنای اشخاصی که تابعیت خارجی آن‌ها مسلم باشد. تابعیت خارجی کسانی مسلم است که مدرک تابعیت آن‌ها مورد اعتراض دولت ایران نباشد. ۲- کسانی که پدر آن‌ها ایرانی است، اعم از اینکه در ایران یا در خارجه متولد شده باشند. ۳- کسانی که در ایران متولد شده و پدر و مادر آنان غیر معلوم باشند. ۴- کسانی که در ایران از پدر و مادر خارجی که یکی از آن‌ها در ایران متولد شده به وجود آمده‌اند. ۵- کسانی که در ایران از پدری که تبعه خارجه است به وجود آمده، و بلافاصله پس از رسیدن به سن هجده سال تمام، لا اقل یک سال دیگر در ایران اقامت کرده باشند، و الا قبول شدن آن‌ها به تابعیت ایران بر طبق مقرراتی خواهد بود که مطابق قانون برای تحصیل تابعیت مقرر است. ۶- هر زن تبعه خارجی که شوهر ایرانی اختیار کند. ۷- هر تبعه خارجی که تابعیت ایران را تحصیل کرده باشد. تبصره- اطفال متولد از نمایندگان سیاسی و قنصلی خارجه مشمول فقره ۴ و ۵ نخواهد بود.» مقنن ایران هر دو سیستم خاک و خون را مورد پذیرش قرار داده است. بدیهی است در صورتی که مرتکب علاوه بر تابعیت ایران دارای تابعیت بیگانه باشد، بی تردید مشمول قوانین جزایی ایران که ناشی از حاکمیت ملی است، خواهد بود و به تابعیت خارجی وی توجهی نخواهد شد. اساساً استرداد اتباع ایران به دول خارجی، مطابق بند ۱ ماده ۸ قانون استرداد مجرمین مصوب سال ۱۳۳۹، ممنوع می‌باشد. بنابر اظهارات فوق، در صورت عدم وجود رابطه تابعیتی مرتکب با کشور متبوعش، اساساً اجرای این اصل ممکن نخواهد بود.

ایراد وارده اینکه، در برخی موارد ممکن است بزهکار پس از ارتکاب جرم در کشور متبوع خود یا کشور دیگری به کشور ایران وارد و از ایران کسب تابعیت کند. بدون تردید مطابق قواعد مربوط به استرداد مجرمان این افراد پس از کسب تابعیت قابل استرداد نخواهند بود. از سوی دیگر به دلیل اینکه در زمان ارتکاب جرم ایرانی نبوده‌اند مشمول ماده ۷ نیز نمی‌باشند. لذا ممکن است در مواردی امکان تعقیب و مجازات آنها مطابق ماده ۷ مقدور نباشد ضمن آنکه قابل استرداد نیز نمی‌باشند. پیشنهاد می‌گردد به منظور شمول اصل صلاحیت شخصی نسبت به آن دسته از بیگانگانی که پس از ارتکاب جرم از ایران کسب تابعیت می‌کنند مقررہ ای اضافه گردد و این افراد را نیز مشمول ماده ۷ قرار دهد.

## ۲-۲- حضور در ایران

از شرایط دیگر اعمال این اصل، حضور مرتکب جرم در ایران است. به این صورت که طبق ماده ۷ قانون مجازات ۱۳۹۲، «... در ایران یافت و یا به ایران اعاده گردد...». بنابراین، صرف حضور متهم در قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی ایران، می تواند اعمال صلاحیت شخصی را در پی داشته باشد، اعم از اینکه حضور متهم ارادی یا غیر ارادی باشد. بنابراین خواه متهم در نتیجه استرداد به ایران تحویل داده باشد و یا در قلمرو هوایی و یا دریایی ایران دستگیر شود یا به دلخواه خویش در ایران حضور پیدا کرده باشد، اعمال اصل صلاحیت شخصی در مورد وی امکان پذیر خواهد بود. با توجه به شرط حضور متهم در ایران، صدور حکم غیابی در خصوص جرایم ارتكابی ایرانیان در خارج از کشور موضوع ماده ۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، منتفی می باشد. زیرا به موجب این ماده قانونی، اعمال اصل صلاحیت شخصی قوانین کیفری ایران، مشروط به محاکمه حضوری متهم است. پس اساسا محاکمه غیابی مرتکب در خصوص این اصل، مخالف اصل قانونی بودن جرایم و مجازات هاست. زیرا که حتی در صورت محاکمه غیابی و تعیین مجازات، تا زمانی که متهم در کشور متبوع خود حضور نیابد، این احکام صادره هیچگاه اجرا نخواهد شد.

«اعمال قوانین جزایی داخلی، نسبت به جرایم ارتكابی توسط اتباع در خارج از کشور، هیچ نفعی برای کشور مزبور در بر ندارد. در نتیجه وقتی که قوانین جزایی در خصوص متهم با توجه به عدم دسترسی به او قابلیت اجرایی پیدا نکند، محاکمه غیابی وی در کشورش فاقد هر گونه ارزشی خواهد بود. از طرف دیگر، دولت متبوع متهم حق مداخله مستقیم جهت دستگیری و محاکمه وی را ندارد. زیرا این امر خارج از نزاکت بین المللی و مغایر با اصول استقلال و حاکمیت دولت هاست و اساسا اجرای قواعد جزایی از اقتدارات ملی محسوب شده و دخالت دولت خارجی مخل نظم عمومی کشور است.» (پوربافرانی، ۱۳۹۲، ۵۹)

ایراد وارده بر شرط حضور مرتکب در ایران در ماده ۷، این است که نحوه حضور مرتکب در ایران به طور صریح مشخص نگردیده است. و مشخص نیست منظور، حضور ارادی مرتکب در ایران است یا حضور غیر ارادی یا به اجبار وی به ایران هم مشمول ماده می شود. راهکار قابل طرح اینکه، حضور متهم در کشور متبوع خود، می تواند به سه صورت تحقق یابد.

### الف - استرداد متهم

اصولا کشوری که جرم در آن واقع شده اگر مجرم را در اختیار داشته باشد، خود به جرم او رسیدگی می کند و بدیهی است که مجرم را به کشور متبوعش مسترد نمی کند. چرا که خود بر اساس اصل صلاحیت سرزمینی واجد صلاحیت است. اما همیشه این چنین نیست. مثلا گاهی ممکن است، شخصی در کشور «الف» مرتکب جرمی شده و سپس به کشور «ب» برود و از آنجا که بین کشور متبوع او و کشور «ب» روابط صمیمانه ای موجود بوده و قرارداد

استرداد مجرمین نیز وجود دارد. کشور «ب» بر حسب تقاضای کشور متبوع او، متهم را به آن کشور استرداد کند. در این صورت است که کشور متبوع او می تواند به جرم ارتكابی تبعه رسیدگی کند. بنابراین معمولا دولت ها با لحاظ اصل صلاحیت سرزمینی، اجازه استرداد تبعه خود را به کشور دیگر نمی دهند و خود اقدام به محاکمه و مجازات وی می نمایند. مگر اینکه فی ما بین دو کشور قرارداد استرداد وجود داشته باشد. بنابراین در صورت استرداد متهم به کشور متبوع خود، شرط حضور در ایران طبق ماده ۷ محقق می شود و منعی جهت اعمال ماده ۷ وجود نخواهد داشت. زیرا ماده ۷ بیان داشته: «... یا به ایران اعاده گردد ...»

### ب- حضور ارادی متهم

در مواردی ممکن است، شخص پس از ارتكاب جرم در خارج از کشور، به طور آزادانه و ارادی به کشور متبوع خود بازگردد. در این صورت نیز کشور متبوع می تواند به استناد اصل صلاحیت شخصی به تعقیب وی پردازد. به نظر می رسد عبارت «حضور متهم» یا «یافت شدن متهم»، به معنی دستگیر شدن او توسط ضابطین دادگستری و دسترسی مقامات قضایی به اوست و صرف حضور متهم در کشور برای تحت تعقیب قراردادن وی کفایت نمی کند. منظور ماده ۷ قانون مجازات، این است که متهم در ایران حضور یابد و پس از آن یافت شود، یعنی توسط مقامات ذی صلاح دستگیر شود و الا اگر در ایران حضور داشته باشد و توسط مقامات ذی صلاح یافت نشود، اعمال اصل صلاحیت شخصی بی فایده خواهد بود.

### پ- حضور غیر ارادی متهم

حضور غیر ارادی متهم به دو صورت است: ۱) صرف حضور غیر ارادی. مثل اینکه متهم به قصد سفر به کشور دیگری، سوار هواپیمایی بوده که آن هواپیما به دلیل فرود اضطراری در فرودگاه یکی از شهرهای کشور متبوع او فرود می آید و در فرودگاه دستگیر می شود. بدیهی است در این خصوص دستگیری چنین شخصی ایراد ندارد و غیرقانونی تلقی نمی شود. ۲) کشاندن متهم به کشور با وسایل و طرق غیرقانونی. مثل اینکه مأموران کشور متبوع او بدون رضایت کشور محل وقوع جرم، او را از آن کشور ربوده و به کشور متبوعش برگردانند. در این صورت «با توجه به اینکه اقدام مأموران دولت متبوع او تجاوز به حاکمیت کشور محل وقوع جرم به شمار می آید، از لحاظ حقوق بین الملل محکوم است. لذا تعقیب، محاکمه و مجازات چنین شخصی غیر قانونی محسوب می شود.» (همان،

(۶۱)

با توجه به ایراد وارده و حسب ظاهر ماده ۷ به نظر می رسد، حتی در صورت حضور غیر ارادی متهم به ایران با طرق غیر قانونی، نیز دادگاه های ایران موظفند مطابق ماده ۷ قانون مجازات، وی را محاکمه و مجازات نمایند. زیرا که شرط ماده که بیان می دارد؛ متهم تبعه ایرانی «در ایران یافت شود» تحقق یافته است و نحوه حضور او از اهمیت

برخوردار نمی باشد. هر چند که درست است این اعمال خلاف نزاکت و عرف بین المللی است، اما اجرای قانون داخلی بر هر امر دیگری ترجیح دارد. از طرفی هم این نکته نباید نادیده گرفته شود که ارتکاب جرم توسط تبعه ایرانی در خارج از کشور موجب ورود ضرر و خسارت به حقوق عمومی و ایجاد اختلال در نظم عمومی کشور ایران نخواهد بود، و در واقع متضرر اصلی جرم، کشور خارجی است که جرم در آن به وقوع پیوسته است. و ممکن است با مسامحه از این قضیه بگذرد. بنابراین دلیلی بر لزوم اشتراط حضور متهم در ایران در ماده ۷ به هر وجهی حتی با آوردن اجباری و به زور متهم به کشور نیستو نباید دامنه شمول حضور متهم در ایران را به هر طریقی وسعت دهیم. زیرا علاوه بر اطاله وقت دادرسی موجب وارد شدن هزینه های گزاف بر سیستم قضایی کشور نیز خواهد گردید. بنابراین مقنن باید مصداق حضور در ایران در ماده را منحصر به حضور ارادی مرتکب در ایران نماید تا بیهوده وقت و سرمایه ملی بلحاظ چنین مسائلی تلف نشود.

### ۲-۳- جرایم مشمول اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت مرتکب

با توجه به ماده ۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، که مقرر داشته: «... هر یک از اتباع ایران... مرتکب جرمی شود...». به طور کلی، تمامی جرایم ارتكابی مشمول اصل صلاحیت شخصی مثبت، قرار می گیرند. زیرا قانون گذار به طور مطلق و با ذکر عبارت «جرمی» در صدد بیان این معناست. بدین ترتیب جرایم موجب حد، قصاص و دیه بدون پذیرش استانداردهای بین المللی، کماکان در صلاحیت تقنینی و قضایی ایران قرار دارد. این معنا از مشمول دانستن تمامی جرایم در صدر ماده ۷ قانون ۱۳۹۲ و استثنا کردن تعزیرات در بند «ب» آن استنباط می شود. مقنن در بند «ب» ماده، قاعده منع محاکمه مجدد متهم را فقط در مورد تعزیرات پذیرفته است و در حدود، قصاص و دیات این امر را نپذیرفته

است. «شایسته بود با توجه به لزوم شفافیت و انبساط در حقوق کیفری و اهمیت موضوع، مقنن در مورد سایر جرایم به تصریح مسأله میپرداخت. بدینترتیب در قانون ۱۳۹۲ مقرر است که کماکان انواع مختلف جرایم، تفاوت پیدا کرده است. رعایت استانداردهای بین المللی تا حدود زیادی مورد اهدا تمام مقنن ایرانی قرار گرفته است.» (مؤمنی، ۱۳۹۳، ۱۸۷) بنابراین با توجه به اطلاق ماده، اجرای اصل صلاحیت شخصی فعال در مورد هر جرم ارتكابی در خارج از ایران قابل اجرا خواهد بود.

ایراد وارده بر این شرط اینکه، اگر چه پذیرش اصل صلاحیت شخصی بر اساس مبانی ذکر شده برای آن ضرورتی اجتناب ناپذیر و مبتنی بر رعایت مصالح کشور است لیکن همین مصالح اقتضا می کند که فقط آن دسته ایرانیانی که در خارج از کشور مرتکب جرایم نسبتا مهمی شوند در ایران قابل تعقیب و محاکمه باشند. پیش بینی امکان تعقیب اتباع بزهکار حتی در جرایم سبک و غیر مهم ارتكاب یافته در خارج از کشور نه تنها غیر ضروری است بلکه در مواردی می تواند با افزودن تورم کیفری از کارایی محاکم بکاهد. پیشنهاد می گردد که این جرایم محصور و محدود به جرایم با اهمیت و مهم گردد و شایسته است مقنن با تعیین ضابطه ای قلمرو این صلاحیت را به



جرایم نسبتا مهم محدود سازد. زیرا که رسیدگی به تمامی جرایم و کم اهمیت جز اینکه، هزینه های بسیاری را برای سیستم قضایی ایران داشته هیچ مصلحت و نفعی برای کشور متبوع متهم ندارد. ضروری است بند ب به جرایم مهم اختصاص یابد مثلا جرایم تعزیری درجه ۱ تا ۵.

## ۴-۲- اعمال نسبی قاعده منع تعقیب و مجازات مجدد

در خصوص جرایم موجب تعزیر، قاعده منع تعقیب و مجازات مجدد نیز از سوی مقنن ۱۳۹۲، پذیرفته شده است. به موجب بند «ب» ماده ۷، در صورت محکومیت مرتکب در کشور محل وقوع جرم، چنانچه قسمتی یا تمام مجازات درباره او اجرا شده باشد، مرتکب قابل محاکمه کیفری مجدد در ایران نخواهد بود. «مطابق قاعده عدم تعقیب مجدد<sup>۳</sup>، مجرم صرفا یک بار قابل تعقیب، محاکمه و مجازات است و برای عملی که یک بار به خاطر آن تحت تعقیب قرار گرفته است، نمی توان او را مجددا تحت تعقیب قرارداد. به عبارت دیگر این فرد دین خود را به جامعه پرداخته است و بازخواست مجدد وی به علت همان عمل نقض عدالت به شمار می آید.» (دوواپر، ۱۳۷۳، ۸۷) بند ۷ ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ نیز، در این خصوص می گوید: «هیچ کس را نمی توان برای جرمی که به علت اتهام به آن به موجب حکم قطعی صادره طبق قانون آیین دادرسی هر کشوری محکوم یا تبرئه شده است، مجددا مورد تعقیب و مجازات قرارداد.» بنابراین، وجود اصل منع تعقیب مجدد در جرایم، ایجاب می کند که از تعقیب کسانی که در خارج از کشور تعقیب و محاکمه شده و حکم قطعی هم درباره آن ها صادر گردیده و حکم به مرحله اجرا در آمده است و یا به علت قانونی، قدرت اجرایی را از دست داده است، خودداری شود. (عالیه، ۲۰۰۱) مطابق این اصل، متهم باید در محل وقوع جرم، محاکمه و تبرئه نشده باشد و یا در صورت محکومیت، مجازات کلا یا بعضا درباره او اجرا نشده باشد.

ایراد وارده بر این شرط اینکه، بند ب ماده ۷ بیانگر آن است که قانونگذار در صلاحیت شخصی قاعده منع تعقیب و محاکمه مجدد را با رعایت شرایطی فقط در حوزه تعزیرات پذیرفته است و سکوت مقنن نسبت به حدود و قصاص با اینکه در مقام بیان قاعده کلی اصل صلاحیت شخصی بوده است این ایده را تلقی می کند که گویا مقنن حدود و قصاص اعمال شده در خارج را شرعی و موجب اسقاط تکلیف حکومت در قبال آن نمی داند در حالی که بسیار بعید است که مقنن بتواند به صورت مطلق در خصوص حدود و قصاص قاعده منع تعقیب و محاکمه مجدد را نادیده بگیرد. بر این اساس اگر با رعایت کلیه ضوابط شرعی، حدود و قصاص الهی نسبت به مرتکب ایرانی در یک کشور اسلامی دیگر اعمال شده باشد قابل قبول نخواهد بود که مرتکب به خاطر همان جرم مجددا در ایران تعقیب شود. بنابراین پیشنهاد می شود در خصوص حدود و قصاص اعمال شده در خارج از کشور تصریح شود اگر اشخاص ایرانی که در خارج از ایران مرتکب جرم می شوند و در ایران یافت یا به ایران اعاده می گردند، در خارج از کشور

<sup>3</sup>. Non Bis in Idem

با رعایت کلیه شرایط شرعی در یک کشور اسلامی تعقیب شده و مجازات شرعی درباره آنان اعمال شده باشد، مشمول قاعده منع محاکمه مجدد قرار گیرند. در خصوص رعایت قاعده منع محاکمه مجدد در اصل صلاحیت شخصی، مقتضای اجرای تعزیر بر ایشمول این قاعده است و در مورد سایر جرایم مسکوت کرده است.

حالا اگر در مورد سایر جرایم مثلاً در خصوص حدود و عیناً مجازات حد در خارج قلمرو ایران اجرا گردد، خلاف عدالت است که مجدداً مرتکب در ایران مجازات نگردد، و مفید است که مقتضای حد و ثغور سایر جرایم را نیز مشخص کند تا از بعد التیجولو گیری بگذرد.

ایراد دیگر اینکه، مقنن در خصوص تعزیرات یکی از شرایط پذیرش قاعده منع تعقیب و مجازات مجدد را عدم تعقیب و محاکمه در کشور محل وقوع جرم دانسته است. بدیهی است اگر مرتکب ایرانی در کشور ثالثی غیر از محل وقوع جرم که به یکی از جهات قانونی مثلاً به اعتبار بزه دیده صلاحیت تعقیب و محاکمه را داشته تعقیب شده باشد نمی توان وی را مجدداً در ایران تعقیب کرد. به نظر می رسد قانونگذار نیز مخالف این قاعده نباشد اما اگر کسی بخواهد فقط به ظاهر ماده بسنده کند قادر خواهد بود هم نسبت به حدود و قصاص اعمال شده در خارج و همچنین نسبت به مرتکب ایرانی تعقیب شده در کشوری غیر از محل وقوع جرم ماده ۷ را اعمال کند. بنابراین پیشنهاد می گردد بند ب ماده ۷ به این شکل اصلاح گردد: متهم در محل وقوع جرم یا کشور دیگری به خاطر آن جرم محاکمه و تبرئه نشده باشد.

## ۲-۵- فقدان موانع تعقیب و وجود موجبات تعقیب

از شرایط اجرای اصل صلاحیت شخصی، عدم برخورداری متهم از موجبات قانونی برای منع تعقیب، موقوفی، و اجرای حکم است. به این صورت که تبعه در صورتی در کشور متبوع تحت تعقیب قرار خواهد گرفت، که مثلاً شکایت شاکی موجود باشد یا متهم مشمول علل رافع مسئولیت کیفری و علل موجهه جرم نباشد. بدیهی است بحث دو طرفه است، بدین معنا که متهم هم بایستی از لحاظ موازین قانونی کشور متبوع خود از موجبات قانونی برای تعقیب و محاکمه برخوردار نباشد و هم از لحاظ قانون کشور محل وقوع جرم. به موجب بند «پ» ماده ۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، چنانچه طبق قوانین ایران یکی از موجبات منع تعقیب یا موقوفی تعقیب یا موقوفی اجرای مجازات یا سقوط مجازات وجود داشته باشد، اعمال صلاحیت شخصی غیر ممکن خواهد بود. اعلام گذشت شاکی در جرایم قابل گذشت، عفو، نسخ، جنون مرتکب، فوت متهم یا محکوم از جمله این موجبات هستند.

ایراد وارده بر این شرط اینکه، در خصوص قانونگذاری به نظر می رسد نیازی به ذکر عبارت مندرج در بند پ ماده ۷ مبنی بر «طبق قوانین ایران موجبی برای منع یا موقوفی تعقیب یا موقوفی اجرای مجازات یا سقوط آن نباشد»، نیست و این بند کاملاً زائد است. زیرا اگر موجبی برای منع یا موقوفی تعقیب یا موقوفی اجرای مجازات یا

سقوط آن باشد همه بزهکاران خواه در قلمرو ایران و خواه در خارج از قلمرو حاکمیت ایران مرتکب جرم شده باشند قابل تعقیب یا مجازات نخواهند بود و این قاعده بر همه مرتکبان جرایم حاکم می باشد. با توجه به عدم نیاز به ذکر بند پ پیشنهاد می گردد بند مذکور حذف گردد. در مورد اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت مرتکب، پیشنهاد می گردد، همانند اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت مجنی علیه، اصل مجرمیت متقابل پذیرفته شود. زیرا در غیر اینصورت اگر یک ایرانی در خارج از کشور مرتکب جرمی شود که در آن کشور جرم نیست، اما طبق قانون ایران جرم است، محاکم ایران صلاحیت رسیدگی به آن جرم را خواهند داشت. این امر مغایر با موازین حقوق جزای بین الملل است، زیرا هیچ ضرری به کشور محل وقوع جرم وارد نشده است و این امر خلاف حمایت از اتباع است.

## نتیجه گیری

به طور کلی اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت مرتکب که بر مبنای رابطه تابعیت استوار است تنها در خصوص ایرانیانی که در خارج از ایران مرتکب جرم می شوند، مشروط به حضور مرتکب در ایران و عدم محاکمه قبلی وی در خارج از ایران و عدم لزوم جرم بودن عمل وی در محل وقوع جرم، اعمال می شود، پذیرش اعتبار محاکمه قبلی و لزوم جرم بودن عمل به موجب قانون ایران و فقدان موانع تعقیب از تحولات قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در خصوص این اصل است. ایرادات وارد بر این اصل عبارتند از: عدم تفکیک جرایم ارتكابی در خارج از ایران از لحاظ اهمیت، عدم شمول جرایم موجب حد و قصاص و دیه نسبت به قاعده منع محاکمه مجدد، عدم تصریح به نحوه حضور مرتکب در ایران، عدم لزوم وضع بند پ ماده ۷، عدم شمول ماده ۷ نسبت به اشخاصی که مرتکب جرم شده و سپس کسب تابعیت ایران می کنند، عدم تصریح ماده به گسترش قاعده منع محاکمه مجدد در مواردی که مرتکب در کشوری غیر از محل وقوع جرم محاکمه و محکوم یا تبرئه گردد. امید است با پیشنهادات و راهکارهای ارائه شده بتوان قدمی هرچند اندک در اجرای هر چه بهتر قوانین و عدالت گسترتری برداشت.

## فهرست منابع

- استفانی، گاستون و لواسور، ژرژ و بولوک، برنارد، حقوق جزای عمومی، مترجم حسن دادبان، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۳
- باهری، محمد، نگرشی بر حقوق جزای عمومی، چاپ چهارم، تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۹۳.
- حسینی نژاد، حسینقلی، حقوق کیفری بین الملل، چاپ چهارم، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۱.
- دووابر، دندیو، حقوق جنایی و قانون گذاری جزایی، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۷۳.
- سلیمی، صادق، «نقدیر مقرر احکام بر صلاحیت مبتنی بر تابعیت در حقوق کیفری ایران»، مجله علمی پژوهشی تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۰، شماره ۵۶، ۲.

- علی آبادی، عبدالحسین، حقوق جنایی، جلد سوم، چاپ دوم، تهران، انتشارات فردوسی، ۱۳۷۰.
- العوجی، مصطفی، القانون الجنایی العام، المجلد الاول، لبنان، نوفل، ۱۹۸۸.
- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰
- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲
- محسنی، مرتضی، دوره حقوق جزای عمومی (کلیات حقوق جزا)، جلد اول، چاپ سوم، تهران، گنج دانش، ۱۳۹۲.
- مؤمنی، مهدی، مبانی حقوق جزای بین الملل ایران، چاپ دهم، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۳.
- میر محمد صادقی، حسین، حقوق جزای بین الملل، چاپ چهارم، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۲.
- Justice Allen, Extraterritorial Jurisdiction, First Edition, Canada, Law Reform Commission of Canada, 1984.